

طراحی چارچوب امنیت و دفاع غرب آسیا در سایه احیای راهبردی ایران

نارندر ناگاروال *

مدرسۀ حقوق، دانشگاه دهلی، دهلی، هند.

مشخصات مقاله	چکیده
پژوهشی موضوع: روابط بین الملل حوزه موضوعی: غرب آسیا تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱	در پژوهش حاضر امکان تحقق «طرح جامع امنیت و دفاع غرب آسیا» (MESD) تحت رهبری رو به رشد جمهوری اسلامی ایران بررسی شده است که هدف آن برقراری صلح و ثبات در منطقه است. پس از جنگ اخیر میان اسرائیل و ایران، رهبری آیت الله خامنه‌ای توان تجهیز نظامی را در خلیج فارس به نمایش گذاشت. این امر سبب شد بازیگران مهم منطقه به این بازاندیشی بپردازند که آیا همچنان می‌توانند به ایالات متحده آمریکا برای دریافت کمک‌های نظامی و امنیتی تکیه کنند؟ با توجه به شرایط کنونی در غرب آسیا و لزوم تحقق امنیت و صلح، دستورکار امنیتی جدیدی لازم است تا «سیاست مشترک دفاعی در غرب آسیا» (CDPM) تدوین شود. در این چارچوب باید بر جنبه‌های کلیدی، همچون ائتلاف‌های نظامی، مشارکت‌های راهبردی، فناوری دفاعی و طراحی راهبردهای جدید دفاعی برای مقابله با کارزارهای اطلاعات نادرست علیه ایران تمرکز شود. این دستورکار پیشنهادی ضرورتی انکارناپذیر است، آن هم در پرتو تهدیدهای اخیر اسرائیل و ایالات متحده مبنی بر اینکه آتش‌بس نه پایان جنگ، بلکه صرفاً موقتی است و حمله جدید به ایران اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بنابراین، ایران باید نهایت استفاده را از این شرایط ببرد و در راستای تأمین حاکمیت و منافع راهبردی خود در غرب آسیا برنامه‌ای راهبردی را پیشنهاد کند تا با کاربست آن مانورهای راهبردی اسرائیل و ایالات متحده را با شکست روبه‌رو سازد. ایران در کانون این طرح بلندپروازانه قرار دارد؛ طرحی که دستورکار مشترکی را بر پلّیه درک مشترک از CDPM ترویج می‌دهد و در نهایت به خودمختاری راهبردی در منطقه منجر می‌شود.

ارجاع به این مقاله: ناگاروال ن. (۱۴۰۵). «طراحی چارچوب امنیت و دفاع غرب آسیا در سایه احیای راهبردی ایران». مطالعات کشورها. ۴(۳): ۵۳۳-۵۶۱. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.399926.1331>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir
شاپای الکترونیکی: ۹۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران

۱. مقدمه

غرب آسیا همواره با مجموعه‌ای از تحول‌های پرتنش و چالش‌های امنیتی پیچیده مواجه بوده است (Kamrava, 2019) که نیازمند پاسخ‌های هماهنگ بر پایه درک مشترک، فرایندهای منسجم و قابلیت‌های نظامی هم‌افزاست (Hinnebusch, 2003: 14). درگیری نظامی اخیر میان ایران و اسرائیل، که اغلب به‌عنوان «جنگ ۱۲ روزه» از آن یاد می‌شود و در ژوئن ۲۰۲۵ پایان یافت، چشم‌انداز ژئوپلیتیکی منطقه را به‌طور قابل توجهی تغییر داده است؛ به‌ویژه به دلیل سیاست‌های غیرقابل پیش‌بینی ایالات متحده در قبال منطقه غرب آسیا. اگرچه هر دو طرف درگیری اعلام پیروزی کرده‌اند، بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که ایران از نگاه راهبردی، پیروز جنگ ظاهر شده است (The Economic Times, 2025; Rezaei, 2025). رفتار ایران در این جنگ بازتابی از روحیه سلحشورانه و شور انقلابی آن بود. این مسئله وقتی به‌وضوح مشخص شد که ایران بازیگر اصلی در خلیج فارس شناسایی شده است (IISS, 2022: 318)، به شکلی که با پاسخ مناسب به حضور نظامی ایالات متحده در جنگ جاری میان ایران و اسرائیل (Dzulhisham, 2025: 25)، از کشورهای ترکیه (ArmedForces.eu, 2025)، مصر و عربستان سعودی پیشی گرفته است. این بحران، توان نظامی و موشکی ایران را به تصویر کشید و پیشینه‌ای را شکل داد مبنی بر اینکه ایران بازیگری مرکزی در مباحث امنیت منطقه‌ای است (Global Fire Power, 2025).

در تحلیل نیات راهبردی در منطقه، ایران نقطه‌ای کانونی است. این کشور بالاترین سطح توانایی‌های نظامی متعارف و هسته‌ای را در اختیار دارد و این امر را در درگیری‌های نظامی اخیر به‌وضوح به نمایش گذاشته است. افزون بر این، جنگ اخیر مشروعیت رهبری آیت‌الله خامنه‌ای را افزایش داد و رهبری او را در صحنه سیاسی ایران بیش‌ازپیش تقویت کرد، چراکه مردم ایران صدای ملی‌گرایانه جدیدی را پذیرفته‌اند و رهبری نیز به‌سرعت آن را نشانه‌ای از وحدت ملی استفاده کرد (Saraswat, 2025: 114). نتیجه راهبردی این جنگ احتمالاً همچنان نامشخص باقی خواهد ماند، به‌گونه‌ای که نه صلحی پایدار و نه راه‌حلی قطعی برای اقدام‌های نظامی به‌دست نخواهد آمد. این امر، به‌ویژه با در نظر گرفتن تصمیم‌های دونالد ترامپ و موضع اسرائیل پس از جنگ آشکار می‌شود، زیرا احتمال از سرگیری تهاجم‌های جدید برای پاسخ به اقدام‌های پیشین ایران علیه تل‌آویو بسیار زیاد است (The Hindu, 2025). کارشناسان راهبرد، از جمله افراد در درون

ساختار نظامی ایران، تحلیلگران سیاسی و محافل دیپلماتیکی اذعان دارند که آتش‌بس میان ایران و اسرائیل مسئله‌ای دائمی نیست و همین امر، نگرانی از احتمال آغاز تهاجم نظامی جدید را افزایش می‌دهد. باتوجه‌به احتمال حمله نیروهای غربی به ایران، ایران باید از این فرصت موقت بهره‌برد تا توانمندی‌های نظامی خود را ارتقا دهد و منافع راهبردی خود را در سطح جهانی تحکیم بخشد (Reddy et al., 2025). در این مقاله در پی آن بوده‌ایم که دستورکار راهبردی مشترکی به دولت تهران پیشنهاد دهیم و اهداف کلیدی سیاست خارجی، تعامل‌های بین‌المللی و اتحادهای نظامی را ترسیم کنیم (Singh, 2025: 43).

در این تحلیل همچنین، ظرفیت ایران برای ایجاد ائتلاف امنیت مشترکی با عنوان «طرح جامع امنیت و دفاع غرب آسیا» (MESD)^۱ را بررسی کرده‌ایم. در این چارچوب، بر نقش رهبری ایران در ترویج صلح و ثبات در منطقه تأکید می‌شود؛ نقشی که ایران می‌تواند، با بهره‌گیری از موفقیت نظامی اخیر علیه اسرائیل، حمایت دیپلماتیکی جامعه بین‌المللی را به‌دست آورد و انزوای منطقه‌ای خود را کاهش دهد. وضعیت موجود در کشورهای خلیج فارس، در صورت ناتوانی آن‌ها در اقدام عاقلانه و قاطعانه، به زیان آن‌ها تمام خواهد شد (BBC Monitoring, 2025). در این مطالعه همچنین به نواقص سازمان‌های مهم و فعال اسلامی در غرب آسیا می‌پردازیم، با این تأکید که این نهادها با وجود حضور تثبیت‌شده، تأثیر حداقلی در میدان عمل داشته‌اند. «طرح جامع امنیت و دفاع غرب آسیا» در پی آن است که سازمان اسلامی جدیدی تأسیس کند یا سازمان همکاری اسلامی (OIC)^۲ و شورای همکاری خلیج فارس (GCC)^۳ را بازتعریف کند؛^۴ به‌گونه‌ای که منافع جمعی کشورهای عضو را بر دستورکارهای ملی و فردی مقدم بدارد و بدین ترتیب از منافع جامعه گسترده‌تر اسلامی پاسداری کند.

1. Middle East Security and Defence Programme

2. Organisation of Islamic Cooperation

3. Gulf Cooperation Council

۴. عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و عمان شش کشور در غرب آسیا هستند که با مشارکت سیاسی و اقتصادی، شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل دادند. در مه ۱۹۸۱م، شورای همکاری خلیج فارس در ریاض، عربستان، تأسیس شد. این شش کشور، به‌دلیل اهداف مشترک و هویت‌های سیاسی و فرهنگی مشابه که ریشه در تمدن‌های عربی و اسلامی دارد، قصد دارند اعضا را گرد هم نگاه‌دارند. هر ساله ریاست شورا تغییر می‌کند.

۲. بحث

۱.۲. اولویت ادغام سیاست همسایگی

چشم‌انداز ژئوپلیتیکی برای ایران به‌طور فزاینده‌ای شکننده شده است، به‌ویژه با توجه به شرایط بحرانی کنونی که موجب شده است غرب آسیا تا حد زیادی بی‌تفاوت باقی بماند. تشدید خصومت‌ها در ژوئن ۲۰۲۵م میان اسرائیل و ایران، آسیب‌پذیری‌های راهبردی تهران و انزوای فزاینده منطقه‌ای آن را در بافت غرب آسیا برجسته کرد (Khatib, 2025). این وضعیت برای پویایی‌های امنیتی منطقه پیامدهای گسترده‌تری دارد، زیرا ایران در حال عبور از اتحادهای رو به زوال خود و نتایج ناشی از اقدام‌هایش در ژئوپلیتیک پیچیده بین‌المللی است (Stroul, 2025). مشارکت دیپلماتیکی سازمان همکاری اسلامی (Silander, 2016: 203)^۱ و شورای همکاری خلیج فارس (Abdel Ghafar & Colombo, 2021: 4)^۲ به‌طور فزاینده‌ای غیرهمکارانه شده و همین امر باعث شده است به‌سوی الگوی امنیتی دیپلماسی محور تغییر جهت دهند که بر کاهش تنش با ایران تأکید دارد، نه هم‌سویی خودکار با منافع ایالات متحده یا اسرائیل. اگر کشورهای بزرگ اسلامی به‌سوی ساختار امنیتی تحت رهبری ایالات متحده متمایل شوند، این امر بیانگر کاستی جدی در سیاست خارجی و راهبردهای دیپلماتیکی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود، به‌ویژه با توجه به اینکه اوضاع پس از ژوئن ۲۰۲۵ تغییر کرده است. سازمان همکاری اسلامی حتی در برابر حملات غزه در سال ۲۰۲۳م نیز سکوت اختیار کرد؛ نهادی را که متشکل از ۵۷ کشور و نماینده ۱.۹ میلیارد نفر است اما نتوانست مسئله مهم حقوق بشر را مطرح کند، می‌توان نهادی از کارافتاده توصیف کرد (Karim & Kapur, 2023: 114). در نتیجه، راهبرد نظامی ایران باید بر کاهش انزوای منطقه‌ای خود متمرکز شود تا بتواند جایگاهی پیشرو در غرب آسیا به‌دست آورد. ایران، برای کسب حمایت کشورهای همسایه در منطقه، باید تضمین‌های امنیتی داشته باشد که هدف آن تقویت ثبات منطقه‌ای باشد. افزون‌بر این، جمهوری اسلامی ایران نیازمند بازنگری کامل در ارتباط خود با هر دو نهاد سازمان همکاری اسلامی و شورای همکاری خلیج فارس است.

۱. این سازمان در سال ۱۹۶۹م با مشارکت ۵۷ کشور تأسیس شد. به‌دلیل ضعف ذاتی و منافع کشورهای عضو، در بسیاری از بحران‌های بین‌المللی بی‌تفاوت مانده است.

۲. با وجود بلندپروازانه‌بودن طرح تأسیس شورای همکاری خلیج فارس، این شورا، به‌دلیل رقابت‌ها و میزان رقابت بین کشورهای غرب آسیا، نتوانست نهادی قوی در غرب آسیا عمل کند.

در پی رویدادهای ژوئن ۲۰۲۵م، ایران موقعیت مستحکمی را به دست آورده است. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، از این فرصت راهبردی برای تقویت روابط دیپلماتیک و افزایش نفوذ منطقه‌ای استفاده می‌کند. مسکو، فراتر از منافع نفتی و ضرورت دسترسی به اقیانوس هند غربی، مدت‌هاست که غرب آسیا را مرکز ثقل سیاست خارجی خود در نظر گرفته است (Chivvis & Keating, 2024). سفر اخیر رئیس‌جمهور پزشکیان به مسکو در بحبوحه بحران ایران و اسرائیل، نشان‌دهنده تمایل برای عبور از تلخی‌های ریشه‌دار به‌جامانده از دوران شوروی بود. رئیس‌جمهور پوتین به‌خوبی آگاه است که مسکو برای نفوذ منطقه‌ای در حال رقابت است، به‌ویژه با توجه به نزدیکی جغرافیایی این منطقه به روسیه و تداوم رقابت قدرت‌های بزرگ با ایالات متحده.

روابط تاریخی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق با بی‌اعتمادی عمیق و همکاری‌های پراکنده همراه بوده است. باین‌حال، اتحاد راهبردی نوظهور ایران با روسیه به‌طور چشمگیری جایگاه آن را در غرب آسیا تقویت کرده است (Roll, 2025). در جریان دیدار آن‌ها در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۵م، پوتین به پزشکیان اطمینان داد که روسیه متعهد به تقویت مشارکت‌های راهبردی و گسترش همکاری در حوزه‌های گوناگون است. با این سفر تاریخی رئیس‌جمهور ایران، فصل جدیدی از اتحاد و همکاری آغاز شد که گزارش‌ها و تحلیل‌های رسانه‌های غربی در جهت تضعیف آن حرکت کرده‌اند. پوتین در آغاز گفتگوها در کرملین بر اهمیت توافق روسیه و ایران در زمینه «شراکت راهبردی جامع» تأکید و بر ظرفیت آن برای همکاری عملی در حوزه‌های متعدد اشاره کرد. علاوه بر این، چین نیز حمایت خود را از ایران در صورت بروز هرگونه تحریک نظامی از سوی غرب اعلام کرد (Reuters, 2021).

تهران، برای مهار هژمونی ایالات متحده در غرب آسیا، باید به‌طور فعال حمایت پکن را دنبال کند؛ چراکه هر دو طرف هدف راهبردی مشترکی در مقابله با نفوذ جهانی آمریکا دارند و هر دو با تنش‌ها، تحریم‌ها و فشارهای واشنگتن مواجه بوده‌اند. ایرانی نسبتاً قدرتمند و خودمختار در خلیج فارس نه تنها به چین در تأمین منافعش در منطقه کمک خواهد کرد، بلکه امنیت انرژی آن را تضمین می‌کند و حضورش را در غرب آسیا تثبیت خواهد کرد (Motamedi, 2022). درحالی‌که ایالات متحده با افول نسبی قدرت مواجه است و قدرت‌های منطقه‌ای همچنان در حال رشد هستند، شراکت راهبردی چین و ایران در حال

دگرگون ساختن چشم انداز امنیتی غرب آسیاست. چشم اندازهای راهبردی ایران برای «نگاه به شرق» و چین برای «حرکت به غرب» در منطقه خلیج فارس با همدیگر تلاقی خواهند کرد (Saleh & Yazdanshenas, 2022: 377).

راهبرد پیشنهادی «طرح جامع امنیت و دفاع غرب آسیا» بر سه مسیر به هم پیوسته استوار است. نخست، در توافقنامه های حقوقی منع تخصیص با عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی و قطر، عادی سازی روابط سال ۲۰۲۳م با ریاض رسمی شد. این توافقنامه که با میانجیگری پکن امضا شد خطوط ارتباطی بحران و سامانه های مشترک هشدار زودهنگام را در بر می گیرد. با اثبات اینکه ثبات خلیج فارس را می توان بومی مدیریت کرد، تهران می تواند این تصور را به چالش بکشد که حضور مداوم نیروهای نظامی آمریکا تنها عامل بازدارنده در برابر تشدید تنش است؛ تصویری که پیش تر در بحث های راهبردی شورای همکاری خلیج فارس، پس از عقب نشینی های متوالی ایالات متحده و حملات دقیق ایران به زیرساخت های انرژی منطقه با تردید همراه شده بود. همکاری نوظهور نظامی و راهبردی میان تهران، مسکو و پکن به افزایش امنیت غرب آسیا کمک خواهد کرد (Kamrava, 2018). افزون بر این، روایت تازه و متقاعدکننده رسانه های معتبر، اندیشکده ها و مؤسسات دانشگاهی برای برجسته سازی خطرهای حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و پیامدهای جدی در صورت مهار نشدن این حضور، مسئله ای حیاتی است (Aron, 2025).

دوم، برای گذار مؤثر از نظریه به راهبردهای عملی، در توسعه اقتصادی همگرا در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس باید اجرای دستورالعمل های مرتبط با تنوع بخشی پسا هیندروکرینی را در اولویت قرار داد. موفقیت این تنوع بخشی ذاتاً به زنجیره های قدرتمند تجارت دریایی گره خورده است. هم زمان، ایران در موقعیتی قرار دارد که می تواند جریان های حیاتی سرمایه را جذب کند، زیرا تقاضای جهانی برای نفت به سمت ثبات حرکت می کند؛ وضعیتی که با تحریم های بین المللی موجود تشدید شده است. مشارکت فعال ایران در طرح پولی بریکس که به پیشنهاد روسیه و چین، به ادغام اقتصادی دوباره ایران در اقتصاد بین الملل کمک خواهد کرد (Iran Daily, 2025). علاوه بر این، نقش ایران ممکن است به ترغیب سایر بازیگران کلیدی غرب آسیا برای هم سویی با راهبرد پولی بریکس گسترش یابد و همکاری و تاب آوری اقتصادی منطقه ای را تقویت کند (Chatin & Gallarotti, 2016; Blanchard & Lu, 2012; Winter T, 2020).

سوم، ایران باید، علی‌رغم موانع مالی ناشی از درگیری‌های نظامی اخیر و بحران اقتصادی جاری، بخش ارتباطات راهبردی خود را احیا کند. این حوزه حیاتی است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. ایران برای دستیابی به این هدف نباید از جستجوی حمایت مالی، تخصص فنی و کمک‌های امنیت سایبری از کشورهایی همچون روسیه، چین، کره شمالی و ترکیه تردید کند. در نتیجه، ایران ناچار است تصویر خود را از بازیگری انقلابی و برهم‌زننده نظم به مروج صلح و ثبات در غرب آسیا تغییر دهد. تهران، برای دستیابی به این هدف، باید تلاش چشمگیری برای ارتقای بخش ارتباطات و رسانه‌ای خود انجام دهد. در حال حاضر، تهران بیش از چهل شبکه به زبان‌های فارسی، عربی و کردی را از طریق اتحادیه رادیو و تلویزیون اسلامی مدیریت می‌کند و ۱۳۰۰۰ نفر را در ۲۰ کشور به کار گرفته است. با این حال، در شرایط کنونی، حضور رسانه‌ای ایران در محیط‌های دانشگاهی، مناظره‌های تلویزیونی و کنفرانس‌های راهبردی تقریباً خالی است که اندیشه‌های پیشرو در کشورهای آسه‌آن، جنوب آسیا و آمریکای لاتین برگزار می‌کنند.

تأسیس دفاتر خبری در کشورهای خلیج فارس با خبرنگاران دوزبانه به ایران امکان می‌دهد تا در برابر رسانه‌های پان‌عربی تحت مالکیت عربستان رقابت کند، رقابتی نه صرفاً بر اساس حجم و گستره پوشش، بلکه رقابتی که بر روایت‌سازی متمرکز باشد. با این حال، جامعه جهانی، به‌ویژه در مناطق آسه‌آن و جنوب آسیا، باید دیدگاه ایران را در همه ابعاد مناقشه‌های بین‌المللی درک کنند. ضروری است که به جامعه جهانی انتقال داده شود که تخاصم ایران با اسرائیل بر سه بعد کلیدی استوار است: تمدنی، ژئوپلیتیکی و امنیتی. بنابراین، جامعه بین‌المللی باید به این نکته اذعان کند که ایران مهاجم نیست، بلکه قربانی اقدامی جنگی و نقض آشکار ماده ۵۱ منشور ملل متحد ۱۹۴۵ است (Ranjan, 2025). ایجاد زیست‌بوم اطلاعاتی قدرتمند حیاتی است، به‌ویژه با توجه به کارزارهای گسترده اطلاعات نادرست رسانه‌های غربی. در عصر کنونی، رسانه‌های اجتماعی و جنگ رقومی (دیجیتال)، نظام اختصاصی واحدهای اطلاعاتی، باید در منطقه فعال باشد تا مباحث سیاسی، تحلیل‌های خبری و کارزارهای بدخواهانه و تحریف‌شده را با تکیه بر واقعیت‌ها، قانون و تلاش برای تغییر روایت‌های جانبدارانه رسانه‌های غربی خنثی کرد (Mazhari, 2024).

پیشنهاد شده است در چارچوب «طرح جامع امنیت و دفاع غرب آسیا»، از

سازمان‌های رسانه‌ای انگلیسی‌زبان، دانشگاه‌ها و اندیشکده‌ها حمایت شود تا به مخاطبانی گسترده‌تر در کشورهای آسه‌آن، آمریکای لاتین، اروپا و آسیا دست یافت. افزون بر این، اهمیت دیپلماسی فرهنگی در این عصر رسانه‌های اجتماعی و فرهنگ‌های مشترک میان ملت‌ها، به‌ویژه در مناطقی که جمعیت قابل‌توجه مسلمان (شیعه) حضور دارند، فوق‌العاده حیاتی است (Atalayar, 2025). بنابراین، راهبردهای دیپلماسی فرهنگی - همچون برنامه‌های بورسیه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، جشنواره‌های مشترک فیلم، و مراکز نوآوری در شهرهایی چون هوچی‌مین، کوالالامپور، بانکوک، مانیل، بمبئی، کلمبو، کاتماندو، داکا، قاهره، دوحه، استانبول و ابوظبی - باید بر برجسته‌سازی دستاوردهای تمدنی مشترک ما متمرکز باشد، نه بر شکاف‌های گروهی (Worldview, 2024).

تعامل با نسل زد مستلزم رویکرد حمایت‌گرایانه فعال و دانش‌محور است. تأسیس انجمنی ضروری است که «مرکز پژوهش‌های راهبردی ایران» را با نهادهای بی‌طرفی همچون چتم‌هاوس، مرکز ویلسون و بنیاد تحقیقات ناظر (ORF)^۱ پیوند دهد. این همکاری به تولید تحلیل‌های سیاسی تأثیرگذار، میزبانی کنفرانس‌های مهم و تسهیل گفتگوهایی با حضور روشنفکران برجسته و طرح دیدگاه‌های ایرانی در مباحث دانشگاهی خواهد انجامید که بسیار حیاتی است. علاوه بر این، همکاری با اندیشکده‌های منطقه‌ای و بهره‌گیری از تأثیرگذاران رسانه‌های اجتماعی برای خنثی‌سازی اطلاعات نادرست و راه‌اندازی کارزارهای متقابل و مؤثر حیاتی است. این راهبرد به‌طور چشمگیری قدرت نرم ایران را در بخش‌هایی افزایش خواهد داد که در آن سانسور حکومتی نفوذ کمتری دارد.

۲.۲. واکنش کشورهای آسه‌آن به منازعه ایران و اسرائیل؛ حرکتی مثبت

موفقیت اخیر جمهوری اسلامی ایران در آسه‌آن تحت راهبرد «نگاه به شرق» نتایج پربراری به همراه داشت. در تازه‌ترین درگیری ایران و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵م، آسه‌آن، به‌جز چند کشور، به‌طور قاطع در کنار ایران ایستادند (Byrnes, 2025). مالزی و اندونزی که کشورهایی بیشتر مسلمان هستند، به‌شدت حملات اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران را محکوم کردند (Priya, 2023). انور ابراهیم، نخست‌وزیر مالزی، بر اهمیت پای‌بندی به حقوق بین‌الملل در پرتو حملات اخیر تأکید کرد و خواستار پاسخی متناسب شد (Intellinews, 2025). به‌همین ترتیب،

1. Observer Research Foundation

رهبری اندونزی نگرانی‌های خود را ابراز داشت و بر ضرورت احترام به حاکمیت ایران و ترویج راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای مناقشه‌ها تأکید کرد (Bedi & Siregar, 2025). ایران به‌طور علنی از حمایت اندونزی در تنش‌های ژئوپلیتیکی اخیر قدردانی کرد و سفیر آن ضمن ابراز قدردانی، از رهبران اندونزی دعوت کرد به تهران سفر کنند. او به‌طور ویژه از اندونزی که بزرگ‌ترین کشور با اکثریت مسلمان شناخته می‌شود خواست تا در مجامع بین‌المللی از ایران حمایت کند.

در همین حال، ویتنام به‌همراه دیگر اعضای آسه‌آن، «نگرانی عمیق» خود را به‌صراحت ابراز داشت و خواستار کاهش تنش‌ها شد و تجاوز اسرائیل و نقض آشکار تمامی هنجارهای تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل را محکوم کرد. این واکنش آسه‌آن، به‌ویژه از سوی مالزی، اندونزی و ویتنام، با سیاست راهبردی ایران در قبال رویکرد کلی آسه‌آن مبنی بر بی‌طرفی و تأکید بر مذاکرات دیپلماتیکی همسوست و به‌ویژه حمایت مالزی از ایران، موفقیتی چشمگیر برای سیاست خارجی ایران و تلاش‌های دیپلماتیکی مستمر آن در عرضه هوشمندانه واقعیت‌ها به جامعه بین‌المللی به‌شمار می‌رود (Byrnes, 2025).

نقش نوظهور ایران در منطقه آسه‌آن جایگاه جهانی آن را ارتقا داده است و رسانه‌های محلی در این کشورها باید گزارشی شفاف و مبتنی بر واقعیت از وضعیت میدانی عرضه کنند. در سطح منطقه‌ای، وزرای خارجه آسه‌آن به‌طور جمعی نگرانی‌های خود را درباره تنش‌ها در غرب آسیا ابراز داشتند و از آتش‌بسی استقبال کردند که در ژوئن میان اسرائیل و ایران برقرار شد. این امر بیانگر تعهد آسه‌آن به صلح و چندجانبه‌گرایی است. درحالی‌که در این بیانیه‌ها از سرزنش مستقیم اقدام‌های غرب یا اسرائیل خودداری می‌شد، بر جایگاه آسه‌آن در نقش میانجی و نه طرف درگیر در مناقشه تأکید شده است (ASEAN, 2025). ایران از این فرصت بهره‌برداری می‌کند تا به رهبران آسه‌آن یادآوری کند که هم قربانی تجاوز، و هم نیرویی تثبیت‌کننده در منطقه است. مقام‌های ایرانی تأکید کرده‌اند که اقدام‌های اسرائیل تأییدی است بر نفوذ بی‌ثبات‌کننده نیروی نیابتی ایالات متحده (اسرائیل). ایران، از طریق فعالیت‌های رسانه‌ای و سخنرانی‌های گوناگون، استدلال می‌کند که حمایت بین‌المللی، به‌ویژه از کشورهایمانند مالزی و اندونزی، در «مهار تشدید بیشتر درگیری» نقشی اساسی ایفا می‌کند و تقویت‌کننده روایت ایران است مبنی بر دفاع از حاکمیت در برابر تجاوز خارجی (Pillalamarro, 2025).

۳.۲. مشروعیت بخشی به حمایت از «محور مقاومت»

ایران گاه از سوی غرب «هژمون خلیج فارس» توصیف می شود، بی آنکه درک تهدیدی که از جانب غرب و اسرائیل متوجه ایران است به رسمیت شناخته شود. این تهدید نه تنها ساختگی نیست، بلکه تهدیدی است که به امنیت هستی شناختی ایران و آرمان تمدنی آن برای زیستن همچون دولت اسلامی مدرن و برخوردار از کرامت مربوط می شود (Coredman, 2010: 64). ایران تصمیم گرفته است «محور هم بستگی مسلمانان» چندوجهی را چارچوبی دیپلماتیکی بنا نهد که متضمن امنیت، مروج یکپارچگی اقتصادی و دیپلماسی فرهنگی-مذهبی باشد و متناسب با هر کشور هدفی تقویت شود. این رویکرد، نه از روی انتخاب، بلکه به دلیل اجبار شرایط موجود اخذ شد (IISS, 2020). این رویکرد، حمایت ایران را از گروه های مقاومت بازتعریف می کند و آن را بخشی از دفاعی جمعی در برابر تجاوز اسرائیل و هژمونی ایالات متحده جلوه می دهد، در حالی که منافع دوجانبه ملموسی را برای کشورهایی چون ترکیه، مصر، پاکستان و هند فراهم می سازد.

جمهوری اسلامی ایران مجموعه مورد ائتلاف دفاعی خود «محور مقاومت» را ستون جدایی ناپذیر راهبرد امنیت ملی خود می داند؛ گروه هایی همچون حزب الله لبنان، حماس فلسطین، انصارالله یمن (حوثی ها) و حشدالشعبی عراق (نیروهای بسیج مردمی)^۱. این اتکا ناشی از برداشت ایران از تهدیدهای عمیق منطقه ای است، به ویژه محاصره از سوی قدرت های خصمانه (بیش از همه ایالات متحده، اسرائیل و رقبای عرب) و احتمال بی ثبات سازی داخلی. دستیابی به برابری نظامی متعارف با دشمنانی همچون اسرائیل یا آمریکا ناممکن است؛ از این رو، تهران از بازدارندگی نامتقارن بهره می گیرد. این ائتلاف از بازیگران غیردولتی (شبه نظامیان) که به «محور مقاومت» معروف است، چندین نقش امنیتی حیاتی برای ایران ایفا می کند؛ مهم ترین آن فراهم آوردن بازدارندگی گسترده و عمق راهبردی است (Johnny, 2025).

این شبکه های دفاعی همچون پایگاه های پیشرو عمل می کنند و راهبردهای تهاجمی دشمنان را پیچیده و ضربات بالقوه را در فاصله ای دور از مرزهای ایران جذب می کنند. تأمین سلاح حزب الله تهدیدی مستقیم علیه اسرائیل محسوب می شود، در حالی که حملات حوثی ها منافع دریایی رقبای را مختل می سازد. این نیروهای نیابتی همچنین نفوذ ایران را گسترش و به آن امکان می دهند که رقبای

1. PMF: Popular Mobilisation Forces

به چالش بکشد، بر نتایج سیاسی تأثیر بگذارد و از منافع شیعیان در سراسر غرب آسیا، بدون ورود به تقابل مستقیم، حمایت کند. این امر در برابر هژمونی ایالات متحده و نفوذ سعودی/اسرائیلی عمل می‌کند (Reuters, 2024). یکی از عوامل مهم حمایت از محور مقاومت، مقرون به صرفه بودن راهبرد دفاعی آن است. نگهداری و تسلیح نیروهای نیابتی بسیار ارزان‌تر از هم‌سطح‌سازی با توانایی‌های نظامی متعارف دشمنان است. این مسئله به ایران که از منظر تأمین منابع محدود است این امکان را می‌دهد تا هزینه‌های شاخصی را بر مخالفان خود تحمیل کند. گرچه حمایت از محور مقاومت با خطرهایی همراه است، وجوه مثبت آن را نمی‌توان نادیده گرفت. مهم‌تر از همه اینکه محور مقاومت بر «اخوت اسلامی» باور دارد و استدلال می‌کند که گروه‌های رقیب سنی در جهان عرب باید خصومت‌های خود را با ایران کنار بگذارند. آنان خواستار آن هستند که تمامی کشورهای عربی متحد شوند و برای دستیابی به صلح و توسعه در غرب آسیا همکاری کنند. پس از ژوئن ۲۰۲۵م، جایگاه پیروزمندانه ایران در غرب آسیا باید تبلیغات منفی علیه محور مقاومت را به موجی از هم‌دلی در حمایت از هم محور و هم آرمان فلسطین تبدیل کند. این اواخر، محور مقاومت هدف اصلی خود را با درگیر ساختن منابع نظامی اسرائیل در جبهه‌های متعدد مانند غزه، لبنان و دریای سرخ نشان داده است، در حالی که هم‌زمان از حملات گسترده‌تر علیه خود ایران نیز جلوگیری کرده است. تهران معتقد است که حفظ این ائتلاف‌ها برای کاهش آسیب‌پذیری‌های اصلی امنیتی آن ضروری است، زیرا فشاری مستمر و انکارناپذیر بر دشمنان اعمال می‌کند. محور مقاومت صرفاً ابزاری در سیاست خارجی نیست؛ بلکه سپر راهبردی اصلی ایران محسوب می‌شود (Connel, 2010: 70).

با توجه به اتکای چشمگیر مبارزه فلسطین بر حمایت غیرمستقیم ایران، بازتعریف روایت ضروری است. مطلوب آن است که حمایت ایران از حزب‌الله، حوثی‌ها و حماس (سه‌گانه ح)^۱ صورتی از دفاع جمعی مسلمانان معرفی شود. در این چارچوب، اقدام‌های ایران ممکن است به منزله هم‌بستگی دفاعی تلقی شود که هدف آن حمایت از غیرنظامیان بی‌گناه فلسطینی و یمنی در برابر تهدیدهای وجودی ادراک‌شده از سوی ایالات متحده و اسرائیل است. رسانه‌های غربی محور مقاومت را مجموعه تروریستی غیرقانونی و مورد حمایت ایران معرفی می‌کنند. این روایت باید از طریق بیانیه‌های مشترک، مجامع علمی، مباحث حقوق

1. Triple H

بین‌الملل، مطالعات صلح، کنفرانس‌های امنیتی و راهبردی، و کارزارهای هماهنگ در شبکه‌های اجتماعی با مشارکت پژوهشگران برجسته از هریک از کشورهای درگیر منتشر شود (Alami, 2017: 13).

ضروری است که در چارچوب «طرح جامع امنیت و دفاع غرب آسیا» ترویج شود که اسرائیل، هرچند خود را دولتی سکولار و دموکراتیک معرفی می‌کند، مدام این ارزش‌ها را در اقدام‌های داخلی و خارجی خود نقض کرده و ویژگی‌هایی را بروز داده است که بیشتر شبیه دولتی سرکش است (Davis, 2003: 32). در سیاست‌های داخلی و خارجی اسرائیل همواره گروه قومی مذهبی خاصی یعنی شهروندان یهودی، بر دیگران، به‌ویژه فلسطینیان، ترجیح داده شده‌اند و اصول بنیادین برابری دموکراتیک و سکولاریسم در داخل تضعیف شده است (Butenshon, 2006)^۱. درگیری اخیر ایران و اسرائیل نمونه روشنی از این تناقض را آشکار ساخت؛ به‌گونه‌ای که کارگران مهاجر هندی که در اسرائیل با دستمزد روزانه مشغول به کار بودند، ظاهراً در جریان حملات موشکی ایران از پناهگاه و تدابیر ایمنی محروم شدند. نظم نژادمحور در جامعه اسرائیل و بی‌اعتنایی نهادی آن به جان غیریهودیان در چنین رفتارهای تبعیض‌آمیزی برجسته می‌شود. کارگران جنوب آسیایی در تل‌آویو قربانیان اصلی این رویکرد بی‌رحمانه و تبعیض‌آمیز هستند و این مسئله رویدادی استثنایی نیست (Youtube, 2025).

علاوه بر این، سیاست‌های اعلامی اسرائیل در قانون اساسی خود درباره حقوق بشر، لیبرالیسم و سکولاریسم بیشتر جنبه کلامی دارد؛ در عمل، این کشور نوعی قوم‌گرایی ملی را دنبال می‌کند که بر پایه ایده «خون یهودی خالص است» استوار است و با اصول دموکراسی فراگیر سازگار نیست (Axelson, 1984). تبعیض نظام‌مند، گسترش شهرک‌سازی و رویه‌های اشغالگری نمونه‌هایی از تجلی این ایدئولوژی است. متأسفانه، رسانه‌های غربی به‌ندرت رفتار اسرائیل را با همان دقت انتقادی‌ای بررسی می‌کنند که در قبال سایر کشورها به‌اتهام استبداد یا نقض حقوق بشر به‌کار می‌برند و غالباً این واقعیت‌ها را یا نادیده می‌گیرند یا به‌عمد پنهان می‌سازند (The Times of Israel, 2018).

۱. نویسندگان در این کتاب تأکید می‌کنند که چرا اسرائیل نام قوم یهود را یدک می‌کشد. دولت اسرائیل در ۱۴ مه ۱۹۴۸م دولتی یهودی تعریف شده است، نه جمهوری، مستقل یا دموکراتیک. ریشه‌های این دولت در نژاد یا تعلق به جامعه‌ای خاص نهفته است؛ از این رو، جایی برای جامعه دیگر ندارد. با این حال، اسرائیل در قانون اساسی خود از کلماتی مانند سکولاریسم، دموکراسی و نظایر آن استفاده کرده است.

بدون چنین نقدی، اسرائیل می‌تواند به اقدام‌های بی‌ثبات‌کننده خود در منطقه ادامه دهد، درعین‌حال چهره مشروعی از دموکراسی را حفظ کند. جامعه بین‌المللی - از جمله دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران و جامعه مدنی - باید این واقعیت را بپذیرند و با آن روبه‌رو شوند که سیاست‌ها و اقدام‌های کنونی اسرائیل تهدیدی جدی برای صلح و ثبات منطقه‌ای به‌شمار می‌آید، چراکه تنش‌ها در غرب آسیا همچنان رو به افزایش است. معرفی اسرائیل به‌عنوان دولتی سرکش، مانوری سیاسی نیست؛ بلکه گامی است حیاتی به‌سوی عدالت، پاسخگویی و گفتگویی بازتر درباره حقوق بشر و حقوق بین‌الملل در غرب آسیا (Boyraz, 2024).

۴.۲. برنامه راهبردی برای کاهش تحریم‌های اقتصادی

بزرگ‌ترین مانع پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در مسیر احیای اقتصاد، کاهش آثار تحریم‌های اقتصادی جهانی و ایجاد تاب‌آوری پایدار اقتصادی از طریق دیپلماسی فعال، همکاری‌های منطقه‌ای، امتیازهای راهبردی حساب‌شده و تعامل با شرکای مهم بین‌المللی است. تهران می‌تواند با تعدیل راهبردهای بین‌المللی و داخلی خود، روند رفع مشکلات اقتصادی را آغاز کند. همچنین، با احیای «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) و پای‌بندی به «گروه ویژه اقدام مالی» (FATF)^۱ می‌تواند سرمایه‌های خود را آزاد کند و اعتبار ایران را افزایش دهد. در سطح داخلی، اجرای اصلاحات پولی و کاهش محتاطانه تنش‌ها اقتصاد را تثبیت و اعتماد عمومی را تقویت خواهد کرد. برجام نه تنها کاهش فوری تحریم‌ها را فراهم می‌سازد، بلکه امکان انتقال منابع از برنامه هسته‌ای به تلاش‌های ملی برای بازسازی اقتصادی را نیز مهیا می‌کند. این امر می‌تواند ایران را مجدداً به نظام مالی جهانی متصل کند، هزینه‌های تجاری را کاهش دهد، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار دارایی‌های مسدودشده را آزاد سازد و از زیرساخت‌ها و شبکه‌های ایمنی اجتماعی حمایت کند. در مجموع، برجام قوی‌ترین راه‌حل برای بحران اقتصادی ایران است (Vij, 2025).

این هدف بلندپروازانه محتمل است با گروهی متعهد از متخصصان حقوق بین‌الملل، تحلیل سیاست، دیپلماسی و دانشگاهی تحقق یابد. گزینه دیگر برای غلبه بر تحریم‌های اقتصادی، اتخاذ راهبردی بهینه است: تغییر این برداشت که وابستگی به دلار آمریکا مانع ثبات پایدار اقتصادی است؛ در نتیجه، سلطه ارزی

1. Financial Action Task Force

آمریکا باید پایان یابد. برای تسهیل این روند، مشارکت ایران در «طرح پولی بریکس» گامی راهبردی به سوی تنوع بخشی مالی است. قانع کننده ترین دلیل برای مشارکت ایران آن است که این روند مزایای قابل توجهی، هرچند تدریجی، به همراه دارد. اگرچه ایجاد ارز ذخیره مشترک بریکس با چالش های عمده ای مواجه است (از جمله مسائل مربوط به قابلیت تبدیل و تفاوت در انگیزه های سیاسی)، مزیت اصلی ایران در تقویت روند غیردلاری سازی تجارت خود، به ویژه با روسیه، چین و احتمالاً هند نهفته است. تحقق مبادله های تجاری دوجانبه با ارزهای محلی (روبل، یوان، روپیه) در چارچوب های توسعه یافته «بریکس پلاس» می تواند آسیب پذیری در برابر محدودیت های مالی ایالات متحده (مانند محرومیت از سوئیفت و تسویه دلاری) را به شکل چشمگیری کاهش دهد.

علاوه بر این، باید پیامدهای اقتصادی را در نظر گرفت که هزینه تراکنش ها را کاهش می دهد، واردات حیاتی (مانند ماشین آلات و غذا) را تسهیل می کند و امکان بازگشت درآمدهای صادراتی کالاهای تحریم شده (از جمله نفت و پتروشیمی) را فراهم می سازد. این روند پیوند با اقتصادهای بزرگ غیرغربی را تقویت می کند و بازارها و منابع سرمایه گذاری جایگزین در اختیار قرار می دهد. با این حال، راه حلی جامع نیست؛ زیرا در حالی که انزوای مالی را کاهش می دهد، آن را از میان نمی برد و به شدت به تمایل شرکا برای به خطر انداختن خود در برابر تحریم های ثانویه ایالات متحده وابسته است. واحد ارزی جدید بریکس ممکن است به طور چشمگیری برای بخش دیگری از اقتصاد ایران که کمتر بدان توجه شده است سودمند باشد؛ از جمله در احیای تجارت، رونق گردشگری، افزایش سرمایه گذاری و تقویت همکاری های نظامی، به ویژه در حوزه فناوری موشکی، در آفریقا، آمریکای لاتین و کشورهای آسه آن.

جمهوری اسلامی ایران باید بازنگری در مذاکره با اتحادیه اروپا را به منظور کاهش تحریم های اقتصادی در دستور کار قرار دهد. در شرایطی که کشورهای اروپایی همچنان از روسیه، که تحت تحریم است، نفت و گاز خریداری می کنند، ایران می تواند با همکاری نزدیک با ذی نفعان کلیدی در اتحادیه اروپا، طرحی راهبردی برای عبور از تحریم های بین المللی تدوین کند. اتحادیه اروپا انگیزه های اقتصادی مهمی دارد؛ به طور مثال، امنیت انرژی و تجارت؛ همچنین، مشوق های سیاسی همچون دستیابی به خودمختاری راهبردی و حفظ برجام برای لغو تحریم ها. ایران باید با رویکردی پیش قدم و مسئولانه وارد عمل شود و اقدام های

مشخص و قلبل راسستی آزمایی در زمینه تعلیق هسته‌ای و کاهش تنش‌های منطقه‌ای انجام دهد تا اعتماد متقابل بازسازی شود. در مقابل، ایران می‌تواند محصولات نفتی ارزان قیمت عرضه کند. این اعتماد از طریق حمایت ملموس و عملی از راهبردهای کلیدی اتحادیه اروپا تقویت می‌شود، از جمله ابزارهای مالی ویژه (SPVs)^۱ مانند اینستکس که با هدف تسهیل تجارت بشردوستانه و مشروع خارج از محدوده تحریم‌های ایالات متحده طراحی شد. افزون بر این، جمهوری اسلامی می‌تواند پیشنهادهایی برای همکاری در توسعه گاز، مقابله با تروریسم و تبادل اطلاعات، و نیز مزایای ناشی از آشتی در خلیج فارس عرضه بدارد. نگرانی اصلی کشورهای اروپایی همچنان پیرامون برنامه هسته‌ای ایران است که باید از طریق روشی مشابه و با پشتیبانی هیئت دیپلماتیکی تخصصی متشکل از کارشناسان حقوق بین‌الملل، تحلیلگران سیاست، دانشگاهیان و دیپلمات‌ها برطرف شود. مخاطبان این تلاش‌ها دانشگاه‌ها، اندیشکده‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های جایگزین مانند روزنامه‌نگاری یوتیوب خواهند بود.

در این مسیر، ایران باید پیشرفت‌های ملموسی در حوزه‌های مرتبط با حقوق بشر و فعالیت‌های منطقه‌ای خود نشان دهد تا موانع سیاسی با اتحادیه اروپا کاهش یابد. اتحادیه اروپا می‌تواند نقش واسطه‌ای کلیدی ایفا کند و مسیرهای تجاری مشروع در آغاز مسیر کاهش تنش‌ها را، هرچند در مقیاس محدود، تسهیل کند. روشن است که هیچ راهبرد واحدی برای عبور کامل از تحریم‌ها کافی نیست. رویکرد چندوجهی هماهنگ، و مبتنی بر امتیازات منطقی و اعتمادسازی در روابط موفقیت را محقق می‌سازد. این راهبرد باید بیشتر بر چهار حوزه متمرکز باشد: طرح پولی بریکس، آشتی در خلیج فارس، امتیازات هسته‌ای و تعامل با اتحادیه اروپا. برای اجرای چنین طرح بلندپروازانه‌ای، ایجاد واحدی تخصصی در وزارت امور خارجه اقدامی کارآمد خواهد بود.

۵.۲. برنامه هسته‌ای ایران: منطق راهبردی و امنیت منطقه‌ای

در چارچوب کلان طرح جامع امنیت و دفاع غرب آسیا که هدف آن تثبیت جایگاه راهبردی ایران و صیانت از منافع ملی در منطقه است، برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را نباید از مسیر خود منحرف کرد. روشن است که این برنامه همواره

1. Special Purpose Vehicles

کانون توجه و مسائل جهانی بوده است، به‌ویژه به‌دلیل تأثیرات مستقیم آن بر توازن قدرت منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی. درحالی‌که بازیگران غربی همواره آن را خطری در حوزه اشاعه سلاح‌های هسته‌ای معرفی کرده‌اند، در بررسی علمی و جامع باید به‌همان اندازه به موارد زیر توجه داشت: چالش‌های امنیتی ایران، مسئولیت‌های آن در جایگاه بازیگر منطقه‌ای، و واکنش پیچیده به فشارهای مستمر نظامی، حملات سایبری و خرابکاری‌های پنهان که بیشتر از سوی ایالات متحده و اسرائیل است.

بیشتر واکنش‌های ایران به حملات مداوم علیه تأسیسات هسته‌ای نه از جنس تلافی‌جویانه و گسترده، بلکه در چارچوب خویشتنداری حساب‌شده و دفاع مشروع بوده است. جمهوری اسلامی همواره به رژیم بین‌المللی عدم‌اشاعه پای‌بند مانده است، درحالی‌که قدرت‌های غربی هرگز زرادخانه هسته‌ای اسرائیل را به پرسش نگرفته‌اند و به کارشناسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا سازمان ملل نیز اجازه نداده‌اند ظرفیت‌های هسته‌ای آن کشور را ارزیابی کنند. این رفتارها آشکارا با هدف تضعیف برنامه هسته‌ای ایران و حتی حذف ایران از معادلات غرب آسیا دنبال شده است، به‌ویژه با توجه به حملات غیرموجه و توجیه‌ناپذیر به خاک ایران^۱. این حملات به‌صورت‌های گوناگون بوده است، ازجمله جنگ سایبری (مانند حمله ویروس استاکس‌نت)، ترور دانشمندان هسته‌ای، و حملات پهپادی به سایت‌های هسته‌ای. در مقابل، ایران همواره بر حق خود در دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای ذیل معاهده عدم‌اشاعه (NPT)^۲ تأکید کرده و با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز همکاری داشته و از مسیر دیپلماتیک همچون برجام ۲۰۱۵ برای حل‌وفصل مسائل استفاده کرده است (Mukuntu, 2025).

بررسی عملکرد تاریخی ایران نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی به‌طور مداوم به اصول مندرج در معاهده NPT پای‌بند بوده است. در این میان، با حملات ایالات متحده و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، پرسش‌های مهمی در حوزه حقوق بین‌الملل و در ارتباط با معاهده عدم‌اشاعه مطرح می‌شود، به‌ویژه از حیث نقض آشکار قوانین و تعهدات بین‌المللی توسط برخی طرف‌ها. این وضعیت،

۱. رافائل گروسی، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پس از حملات اسرائیل به ایران گفت: «نباید هرگز به تأسیسات هسته‌ای حمله‌ای صورت گیرد» و از دو طرف خواست تا کاملاً خویشتندار باشند و جلوی تشدید بیشتر تنش‌ها را بگیرند. هم‌زمان، عراق، عربستان سعودی، ترکیه و اتحادیه آفریقا نیز حمله اسرائیل را به ایران محکوم کردند (Aljazeera, 2025).

2. Non-Proliferation Treaty

پیامدهای مهمی برای چارچوب NPT دارد؛ چارچوبی که رکن اساسی حکمرانی هسته‌ای جهانی به‌شمار می‌آید و بلبید میان الزام‌های امنیتی و نیازهای انرژی توازن برقرار کند. این موضوع همچنین، باید ذیل منشور سازمان ملل، سایر توافق‌ها و معاهده‌های بین‌المللی، عرف حقوقی و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل ارزیابی شود (Khan, 2025). نکته‌ی تأسف‌بار آن است که رسانه‌های غربی همواره تصویری منفی از جمهوری اسلامی ارائه کرده‌اند و رفتار مسئولان ایران در تبعیت از مأموریت آژانس و مفاد NPT را بازتاب نداده‌اند. بنابراین، اصلاح تصویر ایران به‌عنوان دولت هسته‌ای مسئول باید به‌طور جدی در دستور کار قرار گیرد و پویش سازمان‌یافته‌ای برای مقابله با جنگ اطلاعاتی و شکست‌دادن روایت‌های تحریف‌شده غربی طراحی و اجرا شود.

۶.۲. بازدارندگی راهبردی و چتر امنیتی برای غرب آسیا

هیچ تردیدی وجود ندارد که جهان امروز وارد عصر جدیدی از هسته‌ای‌شدن شده است؛ عصری که به چندقطبی‌شدن نظام بین‌الملل و تغییر در توازن قدرت شناخته می‌شود. اگرچه بیشتر کشورها در غرب آسیا همچنان همسو با ایالات متحده تعریف می‌شوند، شکست‌های مفتضحانه‌ی اخیر آمریکا و در مقابل، حمایت بی‌قیدوشرط روسیه و چین از ایران نشان می‌دهد که بازیگران اصلی منطقه به‌دنبال چتر امنیتی جایگزین هستند. دلیل این امر آن است که «چتر بازدارندگی آمریکا» کارایی پیشین خود را از دست داده است و رژیم عدم‌اشاعه نیز در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد. بر این اساس، دیگر نمی‌توان ایالات متحده را ابرقدرتی بلامنازع دانست و نشانه‌های شکل‌گیری نظم نوین جهانی با محوریت چین آشکار شده است. در چنین شرایطی، یکی از اهداف بنیادین طرح جامع امنیت و دفاع غرب آسیا باید بازتعریف و پذیرش قابلیت‌های هسته‌ای ایران در چارچوب منطقه‌ای باشد (Wintour, 2025). منطق اصلی این برنامه، دستیابی به موضع بازدارندگی اتکاپذیر است. منطقه غرب آسیا همواره با عدم‌توازن قدرت، مداخله‌های خارجی مکرر و میراثی از ناامنی ساختاری روبه‌رو بوده است. برخورداری ایران از توانمندی هسته‌ای قدرتمند، ولو در چارچوب محدود و غیرنظامی، نقش دفاع از خود را ایفا می‌کند و با افزایش هزینه‌های هرگونه تجاوز، نیرویی ثبات‌بخش عمل می‌کند، نه محرک اشاعه یا منازعه؛ این امر نه‌تنها برای ایران بلکه برای کل غرب آسیا ارزش راهبردی دارد.

در قلب بحث‌های مربوط به جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران، یک اصل بنیادین

وجود دارد: آیت‌الله خامنه‌ای به‌صراحت سلاح هسته‌ای را حرام اعلام کرد. بنابراین، هدف اصلی برنامه هسته‌ای ایران همواره استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف و مقاصد غیرنظامی و صلح‌آمیز بوده است؛ از تولید انرژی گرفته تا بهداشت و سلامت، طرح‌های صنعتی و سایر فعالیت‌های عمرانی و توسعه‌ای (Golkar, 2025). برخلاف راهبردهایی که بر «کاربست پیش‌دستانه» تأکید دارند، تهران همواره برنامه خود را در قالب ابزاری دفاعی معرفی کرده است: هدف جلوگیری از جنگ است، نه آغاز آن. این برنامه هسته‌ای تضمین‌های امنیتی مضاعف برای کشورهای غرب آسیا فراهم می‌کند؛ در نتیجه، نگرش هسته‌ای ایران را باید بیش‌ازپیش تقویت کرد.^۱

علاوه بر این، در تضاد با روایت‌های رایج که ارتقای ایران را صرفاً از منظر تقابل‌های موضوعی تفسیر می‌کنند، ایران دارای توان هسته‌ای می‌تواند زمینه‌ای برای بازاندیشی در مفهوم امنیت جمعی در خلیج فارس فراهم آورد. ایران با قراردادن خود در جایگاه کشوری آماده برای گسترش بازدارندگی، می‌تواند به همسایگان نگران خلیج فارس اطمینان خاطر دهد و فرصت‌هایی تازه برای گفتگوهای امنیتی منطقه‌ای ایجاد کند.^۲ چنین پیشرفت‌هایی به کاهش تنش‌های فرقه‌ای و تقویت همکاری و وحدت میان کشورهای اسلامی منجر خواهد شد؛ کشورهایی که با تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های مشترکی روبه‌رو هستند. تحقق این چشم‌اندازها در نهایت به توانایی ایران در انتقال شفاف نیت خود و مشارکت دادن کشورهای خلیج فارس در نوآوری‌های سازنده و اعتمادساز بستگی دارد. قدرت‌های خارجی بارها تلاش کرده‌اند رقابت‌ها در درون امت اسلامی، به‌ویژه شکاف شیعه و سنی، را تشدید کنند و منطقه را برای منافع راهبردی خود تکه‌تکه و ناپایدار نگه دارند. ایران توانمند، در صورتی که روایتی بر پایه هم‌بستگی اسلامی و دفاع جمعی، به‌جای انحصار فرقه‌ای، بیان دارد، می‌تواند فراتر از این شکاف‌های تاریخی حرکت کند. ایران با معرفی برنامه هسته‌ای خود به‌عنوان توازن‌دهنده در برابر سلطه ایالات متحده و برتری نظامی اسرائیل، خود را مرکز قدرتی مستقل و بالقوه

۱. گفتگوی سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با مدیرکل سازمان ملل (وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۲۳ خرداد ۱۴۰۴)

۲. پیام سخنگوی وزارت امور خارجه خطاب به مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: «آقای گروسی، شما به رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خیانت کرده‌اید؛ شما آژانس را به شریکی در این جنگ ناعادلانه و تجاوزکارانه تبدیل کرده‌اید» (وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۲۹ خرداد ۱۴۰۴).

یکپارچه‌کننده معرفی می‌کند و از این طریق، زمینه حذف «سندرم شیعه-سنی» را از غرب آسیا و استقرار همگرایی اسلامی و برادری منطقه‌ای را فراهم می‌سازد. رسانه‌ها و کارشناسان سیاستگذاری غرب غالباً استدلال می‌کنند که تنش‌های مداوم میان گروه‌های شیعه و سنی در عراق و فراتر از آن، در رقابتی دیرینه ریشه دارد که پس از سقوط رژیم صدام حسین و به قدرت رسیدن شیعیان دوباره سر برآورده است (Council Foreign Relations, 2023). بسیاری از پژوهشگران و رهبران سیاسی بر اهمیت نقش ایران و «نفوذ شیعی» آن تأکید می‌کنند و این امر را چالشی برای ساختار سیاسی تثبیت‌شده در غرب آسیا می‌دانند، به‌ویژه برای کشورهایی چون عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر؛ زیرا ایران در پی ایجاد ائتلاف رادیکال شیعی و تحکیم موقعیت خود در خلیج فارس است (Hamidaddin, 2025). در چنین شرایطی، ایران باید برای زدودن این تصور تلاش کند که قدرت‌های منطقه‌ای با اکثریت سنی، از جمله عربستان سعودی، عراق، امارات متحده عربی و قطر، از برتری ایران در غرب آسیا احساس تهدید خواهند کرد. در مقابل، باید بر این نکته تأکید شود که همکاری میان جوامع شیعه و سنی به بهبود شرایط منطقه می‌انجامد. اگر این تغییر در پویایی‌های منطقه‌ای به درستی مدیریت شود، تمرکز را از رقابت به سمت شراکت پایدار راهبردی هدایت می‌کند و چارچوبی امنیتی پدید می‌آورد که نه تنها برای ایران، بلکه برای کل غرب آسیا سودآور باشد (Guardian, 2006).

۷.۲. مشارکت ایران در ائتلاف منطقه‌ای روسیه و چین

جمهوری اسلامی ایران از ۱ ژانویه ۲۰۲۴ م به عضویت بریکس درآمد و پیش‌تر نیز عضو سازمان همکاری شانگهای (SCO)^۱ بوده است.^۲ بازیگران اصلی در بریکس و شانگهای، ایران را شریکی مطمئن ارزیابی می‌کنند، چراکه این کشور به مقابله با هژمونی ایالات متحده متعهد بوده است. موفقیت اخیر در سیاست خارجی ایران نشان می‌دهد که با وجود اختلاف‌های عمده با همسایگان، توانسته است روابط نسبتاً دوستانه‌ای با پاکستان، عراق، ترکیه، مصر و کشورهای آسه‌آن برقرار سازد.

1. The Shanghai Cooperation Organisation

۲. ایران با پیروی از راهبرد خود مبنی بر پناه‌بردن به سازمان‌های بین‌المللی تحت کنترل چین و روسیه، هم‌زمان درخواست عضویت در گروه بریکس را مطرح کرد و در ژوئیه ۲۰۲۲ م به عضویت کامل سازمان همکاری شانگهای درآمد. در ۲۴ اوت ۲۰۲۳ م، پس از دریافت دعوتنامه رسمی، پذیرش خود را در بریکس اعلام کرد. عضویت واقعی از ۱ ژانویه ۲۰۲۴ م آغاز شد.

در شرایط حاضر ژئوپلیتیکی، که در آن هند هرچه بیشتر با منافع راهبردی غرب همسو شده (به‌ویژه با مشارکت گسترده‌تر در QUAD و افزایش خریدهای نظامی) و در نتیجه از روحیه سازمان همکاری شانگهای و بریکس فاصله گرفته است، لحظه‌ای سرنوشت‌ساز برای همگرایی اوراسیا و غرب آسیا پدید آمده است. هم‌زمان، جمهوری اسلامی ایران همچنان درگیر تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه‌ای است که صادرات انرژی و ادغام مالی آن را به شدت محدود کرده است. در چنین بستری، ایده شکل‌گیری ائتلاف منطقه‌ای جدید تحت حمایت چین و روسیه، مسیری حیاتی برای بقای اقتصادی و احیای راهبردی ایران فراهم می‌آورد. عضویت ایران در این ائتلاف نه تنها مزیتی راهبردی، بلکه ضرورتی حیاتی و ژئوپلیتیکی و اقتصادی به‌شمار می‌رود.

ایران، برای خنثی‌سازی مؤثر تحریم‌های اقتصادی، باید به‌طور راهبردی خود را با ائتلاف منطقه‌ای در حال شکل‌گیری به رهبری روسیه و چین همسو کند؛ به‌ویژه از آنجاکه انجمن همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا (SAARC)^۱ در آستانه فروپاشی، به دلیل اوج‌گیری ملی‌گرایی افراطی در هند تحت دولت کنونی است (Rifah, 2025). ذخایر عظیم هیدروکربنی ایران که از نظر نفت اثبات‌شده چهارم و از نظر گاز طبیعی دوم جهان است به سبب تحریم‌های تحت رهبری ایالات متحده تا حد زیادی از بازارهای جهانی دور مانده است. ائتلاف روسیه و چین که هدف از آن برچیدن سلطه مالی غرب است، بهترین بستر برای این هم‌سویی خواهد بود (Çarkoglu et al., 1998). ایجاد چارچوب‌های امنیت انرژی جمعی، توافق‌نامه‌های تجاری ترجیحی درون ائتلاف و راه‌اندازی سازوکارهای پرداختی که از سوئیفت عبور کنند مانند استفاده از سامانه پرداخت بین‌بانکی فرامرزی (CIPS)^۲ یا سامانه انتقال پیام‌های مالی (SPFS)^۳ آثار تحریم‌ها را به‌طور چشمگیری کاهش می‌دهد. حضور ایران در این ائتلاف نه تنها آن را به قطب مستقل انرژی منطقه بدل می‌کند، بلکه توان چانه‌زنی جمعی و مقاومت آن را در برابر فشارهای خارجی افزایش می‌دهد.

این فصل منطقه‌ای پیشنهادی ظرفیتی است برای همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری، تحت هدایت دو قدرت مسلط آسیایی (Fawcett & Hurrell, 1998: 283-308). تحریم‌ها به شدت مانع ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و

1. South Asian Association for Regional Cooperation
2. Cross-Border Interbank Payment System
3. System for Transfer of Financial Messages

توسعه زیرساخت‌ها در ایران شده است. مشارکت در چنین بلوکی که بر همکاری اقتصادی تأکید دارد، رهایی فوری از فشارها را به همراه خواهد داشت. هم‌افزایی طرح کمربند و راه چین با تجربه روسیه و فرصت‌های سرمایه‌گذاری از سوی پاکستان، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و دیگران، طرح‌های حیاتی زیرساختی (حمل‌ونقل، ترانزیت انرژی) را تسهیل خواهد کرد. دسترسی به صندوق‌های توسعه مشترک یا سازوکارهای سرمایه‌گذاری اختصاصی در ائتلاف نیز ورود سرمایه ضروری را تضمین و بخش‌های غیرنفتی را تقویت می‌کند و موجب تنوع‌بخشی می‌شود؛ هدفی مهم برای ایران که تاکنون به دلیل تحریم‌ها متوقف مانده است.

دستورالعمل ایجاد ارز مشترک بریکس (یا سازوکارهای تسویه مشابه) در کانون اهداف روسیه و چین قرار دارد و ائتلاف منطقه‌ای تازه‌تأسیس آزمونی حیاتی برای راه‌اندازی ارز بریکس درون این ائتلاف عمل خواهد کرد. این گروه‌بندی منطقه‌ای به‌طور خاص به آسیب‌پذیری مهمی می‌پردازد که بر اثر تحریم‌ها سر بر آورده است. ایران، که به‌شدت از حذف از نظام دلاری تحت تأثیر قرار گرفته است، از مشارکت در ایجاد شبکه مالی جایگزین سود مضاعف می‌برد. همکاری بانکی مؤثر در درون ائتلاف، با استفاده از ارزهای محلی یا واحدی جدید برای تسویه مبادلات (به‌ویژه در حوزه نفت و گاز)، برای ایران اهمیت حیاتی دارد. از آنجاکه هند در تأیید قاطع مردد بوده است و ایالات متحده و اسرائیل را هم‌پیمان ایدئولوژیکی خود می‌داند، گمانه‌زنی‌هایی مطرح است مبنی بر اینکه ایران می‌تواند در برنامه‌های مالی بریکس برای مقابله با امپریالیسم دلار، جایگزینی مطمئن به جای هند مطرح شود.^۱ این تغییر پارادایمی بی‌سابقه در سیاست خارجی هند روابط بلندمدت آن را با روسیه و غرب آسیا بیش‌ازپیش تحت فشار قرار می‌دهد، اما برای جمهوری اسلامی ایران سودمند خواهد بود. بازیگران منطقه‌ای بریکس و شانگهای می‌توانند بر ایران برای به‌چالش کشیدن هژمونی دلار در تجارت و بازرگانی جهانی تکیه کنند، و این گزینه‌ای مطمئن‌تر از هند خواهد بود که غیرقابل اعتماد تلقی می‌شود (Gangadharan, 2025).

جایگاه بی‌بدیل جغرافیایی و راهبردی ایران، موقعیتی را ایجاد می‌کند که

۱. پائولو نوگیرا باتیستای پسر، معاون سابق رئیس بانک توسعه نوین، در آخرین قسمت برنامه رفتن به دنیایی زیرزمینی، پیش از اجلاس بریکس+ در ریو: «آیا هند اسب تروا در بریکس است؟». https://x.com/GUnderground_TV/status/1941419967640928505

هیچ کشور دیگری در اختیار ندارد. ادغام ایران در ائتلاف منطقه‌ای مورد انتظار تحت رهبری روسیه و چین، عمق راهبردی، مسیرهای انرژی راهبردی و خطوط ارتباطی حیاتی میان آسیا، غرب آسیا و اروپا را با روسیه و چین تقویت خواهد کرد. تحکیم همکاری‌های فنی - نظامی و تبادل اطلاعات امنیتی میان کشورهای عضو بلوک، به ایران این امکان را می‌دهد که اقدام‌های رقبا و تهدیدهای خارجی منطقه را بازدارندگی کند و امنیت جمعی منطقه‌ای را که سرشار از تنش است تضمین نماید. ورود ایران به این بلوک نوظهور بی‌تردید جایگاه آن را تقویت می‌کند، به‌ویژه در پرتو نفوذ پایدار غرب در منطقه غرب آسیا. با توجه به پویایی ژئوپلیتیکی مطلوبی که در جنوب آسیا در حال شکل‌گیری است، ایران فرصت بی‌نظیری برای بازتعریف رویکرد راهبردی خود در این منطقه دارد. چرخش مشهود هند به سمت هم‌سویی غربی، شکافی در نظام‌های چندجانبه اوراسیا و غرب آسیا پدید می‌آورد. آشکار است که با توجه به نفوذ منطقه‌ای چشمگیر ایران و اشتراک منافع راهبردی با بازیگران کلیدی - همچون چین، روسیه و پاکستان - ایران در این چارچوب نوظهور رهبر بالقوه برجسته‌ای می‌شود. اگر مشارکت فعال ایران در این بلوک نوظهور به‌طور واقعی پذیرفته شود، سایر کشورهای غرب آسیا نیز ممکن است به آن بپیوندند. چنین تحولی این امکان را فراهم می‌سازد که روسیه و چین توازن نفوذ ایالات متحده را در خلیج فارس بر هم زنند و نشان دهند که همکاری از مسیر مدلی قدرتمند و جایگزین برای الگوهای غرب‌محور شکوفا می‌شود.

۳. نتیجه‌گیری

درگیری اخیر نظامی ایران و اسرائیل بار دیگر شکنندگی امنیت غرب آسیا و ضرورت فوری تغییر پارادایمی در مانورهای راهبردی و دیپلماتیکی ایران را برای حفظ حاکمیت و منافع ملی آشکار ساخت. اگرچه ایران در جنگ اخیر علیه اسرائیل پیروز بیرون آمد، و این در حالی بود که رسانه‌های غربی با تبلیغات منفی و ادعاهای مغرضانه علیه اقدام‌های تلافی‌جویانه ایران تلاش کردند چهره آن را مخدوش کنند، این وضعیت در مجموع به نفع جمهوری اسلامی ایران رقم خورد و باید از فضای بین‌المللی کنونی که بیشتر به سود ایران است بهره‌برداری کرد. از این رو، دستور کار دفاع مشترک پیشنهادی ذیل طرح «برنامه جامع امنیت و دفاع غرب آسیا» (MESD) فرصتی حیاتی برای بازاندیشی ثبات منطقه‌ای فراهم

می‌کند. این برنامه نه تنها چارچوبی نظامی، بلکه مسیر عمل دقیق و واقع‌گرایانه‌ای است که بر پایه راهبری هوشمندانه، عملگرایانه و متوازن، جایگاه ایران را تقویت خواهد کرد. برای موفقیت MESD و تثبیت موقعیت ایران به عنوان ضامن صلح و ثبات منطقه، چند الزام حیاتی وجود دارد که نیازمند اقدام سریع و متمرکز است. همان‌طور که در ابتدای بحث گفتیم، ایران باید گامی قاطع برای خروج از انزوای منطقه‌ای بردارد. راه رسیدن به امنیت پایدار در بنیان دیپلماسی هوشمند و اعتمادسازی ریشه دارد. عادی‌سازی و بهبود روابط با شورای همکاری خلیج فارس (GCC) و سازمان همکاری اسلامی (OIC) باید در اولویت قرار گیرد. پیش‌قدمی، راهبردهای اعتمادسازی و ارتباطات باز در زمینه تهدیدهای مشترک، چه در حوزه امنیت دریایی و چه در الزام‌های مقابله با بی‌ثباتی اقتصادی ضروری است. مشروعیت و کارآمدی MESD وابسته به آن است که برنامه‌ای جامع در منطقه دیده شود، نه امتداد اقتدارگرایی ایران. رهبری سیاسی در ایران باید به گونه‌ای بروز یابد که نقش پل‌سازی و پیوند میان کشورها را ایفا کند، نه تقویت صف‌بندی‌ها و جبهه‌گیری.

به‌طور هم‌زمان، ایران باید عمق راهبردی خود را حفظ کند. جمهوری اسلامی توانسته است حمایت کشورهای چون پاکستان، مصر و ترکیه را جلب کند، هرچند اختلاف‌های مهمی به‌ویژه در موضوع بلوچستان همچنان پابرجاست. حمایت ایران و محور مقاومت بخش مهمی از سیاست‌های بازدارندگی و حضور منطقه‌ای پاکستان را تشکیل می‌دهد. باین حال، این حمایت باید با دیپلماسی فعال و چندجانبه تکمیل شود تا به جای محدودیت، بستری برای گسترش ائتلاف‌ها با بازیگران بزرگ‌تر آسیایی فراهم آورد. علاوه بر این، ایران با جنگ روانی و تبلیغاتی مداوم از سوی رسانه‌های غربی مواجه است که می‌کوشند جایگاه منطقه‌ای و طرح بلندپروازانه آن را در قلب راهبرد MESD تضعیف کنند. برای مقابله با این مانع، ضروری است ساختار رسانه‌ای پیشرفته و متعهدی با کارشناسان و تحلیلگرانی ایجاد شود که بتوانند چشم‌انداز امنیتی ایران، اهداف MESD و واقعیت‌های میدانی را دقیق و مسئولانه بازتاب دهند. پیروزی در جنگ روایت‌ها برای جلب حمایت ملی و کسب توجه بین‌المللی حیاتی است.

موفقیت MESD به‌طور ذاتی به حل مسائل اساسی آن پیوند خورده است؛ درباره برخی از این مسائل نمی‌توان مذاکره کرد، به‌ویژه طرح هسته‌ای که باید محور متضمن امنیت ملی ایران تلقی شود. تأکید بر این نکته ضروری است که

ایران همواره به تمامی هنجارهای پیمان NPT و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پای‌بند بوده است. این در حالی است که اسرائیل سابقه‌ای نگران‌کننده در بی‌اعتنایی به دستورالعمل‌های این نهادها، حقوق بین‌الملل و سایر کنوانسیون‌های سازمان ملل دارد و حتی در مواردی به دبیرکل سازمان ملل با ادبیات توهین‌آمیز حمله کرده است. اولویت اصلی باید شفافیت سختگیرانه و پای‌بندی به مقررات ایمنی هسته‌ای باشد، و ایران همچنان به بازرسی‌های سازمان ملل، همکاری با تیم‌های تخصصی آژانس و رعایت دستورالعمل‌های NPT متعهد است. با این حال، روایت رسانه‌ای به شدت علیه ایران جهت‌دار است. برای ایران، طرح هسته‌ای صرفاً مسئله‌ای تسلیحاتی نیست؛ بلکه زیربنایی حیاتی برای اعتماد منطقه‌ای و پاسخی به تهدیدهای موجود تلقی می‌شود. به همان اندازه، کاهش آثار شدید تحریم‌های اقتصادی ضروری است. ایران باید به تلاش‌های سیاسی، نظامی و دیپلماتیکی خود برای کسب رهایی از تحریم‌ها ادامه دهد، نه تنها به عنوان ضرورتی ملی، بلکه به عنوان مسیری برای گشودن منافع اقتصادی گسترده‌تر و فرصت‌های امنیتی مشترکی که سرمایه‌گذاری‌های MESD وعده می‌دهد. در غیر این صورت، ایران در شرایطی که با تحریم‌ها و مشکلات مالی دست‌وپنجه نرم می‌کند، در مدیریت یا تأمین مالی دستورالعمل جامع امنیت منطقه‌ای با دشواری جدی روبه‌رو خواهد بود.

در پایان باید گفت ایران با طرح MESD فرصتی تاریخی در اختیار دارد تا از جایگاه راهبردی خود بهره‌برداری و با تلاش جدی، بر تمامی دشمنان خود در غرب آسیا غلبه کند و روابطی هماهنگ را با دیگر کشورها در جهان توسعه دهد. واقعیت آن است که با دیپلماسی پرتحرک و مثبت که انزوای منطقه‌ای را کاهش دهد و پیوندهایی با شورای همکاری خلیج فارس (GCC) و سازمان همکاری اسلامی (OIC) ایجاد کند، می‌توان گام‌هایی برداشت؛ اما این سازمان‌های منطقه‌ای به دلیل منافع بیشتر اقتصادی، برای تحقق اهدافی همچون «اخوت اسلامی» و «برادری عربی» در برابر هژمونی ایالات متحده در غرب آسیا اعتبار و توان کافی ندارند. از این رو، شایسته است جمهوری اسلامی ایران تمرکز خود را بر شکل‌دهی ائتلاف منطقه‌ای جدیدی بگذارد و به جای امید بستن به بهبود نهادهای کم‌اثر GCC و OIC، مسیر مستقل خود را پی بگیرد. با این حال، دستورکار MESD ممکن است با چالش‌های اساسی مواجه شود؛ از جمله تدوین راهبردهایی برای مقابله با کارزارهای اطلاعات نادرست علیه ایران، اجرای اقدام‌های مؤثر در حوزه

شفافیت هسته‌ای و بهره‌گیری از موقعیت ایران در جایگاه بازیگری محوری در عرصه درحال تحول ائتلاف‌های بین‌المللی. برای آنکه دولت تهران بتواند واقعاً مسیر پیشرفت و نوسازی جمهوری اسلامی را هموار کند و درعین حال حاکمیت، راهبرد هسته‌ای و منافع کلان ملی را حفظ کند، MESD باید از نقش سنتی خود فراتر رود. ایران، با اتخاذ رویکردی عمل‌گرایانه، جسورانه و متعادل در دیپلماسی، می‌تواند به عنصر بنیادین غرب آسیای امن‌تر، باثبات‌تر و صلح‌آمیزتر تبدیل شود. در نهایت، این مسئولیت بر عهده تهران است که هم بار سنگین وظایف و هم بهره‌های احتمالی این مسیر را بر دوش کشد؛ به‌ویژه در شرایطی که منطقه از درگیری‌های طولانی‌مدت به‌شدت خسته و فرسوده است.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

اصول اخلاقی

نویسنده در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته است؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسنده است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته است. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر درخصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

منابع

- Abdel Ghafar A, Colombo S. (ed.) (2021). *The European Union and the Gulf Cooperation Council*. Springer.
- Alami M. (2017). *Dirasat*. King Faisal Center for Research and Studies. <https://www.kfcris.com/pdf/6f23c5a8743562eb0cb96e29d71c39575a1687c05d986.pdf>.
- Aljazeera. (2025). "How the world is reacting to Israel attacks on Iran nuclear, military sites". June 13. <https://www.aljazeera.com/news/2025/6/13/how-the-world-is-reacting-to-israel-attacks-on-iran-nuclear-military-sites>.
- ArmedForces.eu. (2025). "Iran vs Turkey". https://armedforces.eu/compare/country_Iran_vs_Turkey. (Accessed on 28 July 2025)
- Aron L. (2025). "The Iran-China-Russia Axis Crumbles When It Matters". *The Atlantic*. June 29.

- <https://www.theatlantic.com/international/archive/2025/06/iran-china-russia-axis-crumbles/683369/>.
- ASEAN. (2025). "ASEAN Foreign Ministers' statement on the situation in the Middle East". June 26. <https://asean.org/asean-foreign-ministers-statement-on-the-situation-in-the-middle-east-2>.
- Atalayar. (2025). "The role of the media in the war between Israel and Iran". June 24. <https://www.atalayar.com/en/articulo/politics/the-role-of-the-media-in-the-war-between-israel-and-iran/20250624190000216254.html>.
- Axelson S. (1984). "Israel and anti-semitism, a critical view". *Arab Studies Quarterly*. 7(2/3): 11-14. <https://www.jstor.org/stable/41857765>.
- BBC Monitoring. (2025). "Explainer: How do Gulf Arab states view Iran after war with Israel?". July 10. <https://monitoring.bbc.co.uk/product/b00047qa>.
- Bedi RS, Siregar K. (2025). "Evacuation of Southeast Asians from Middle East underway as Iran-Israel conflict escalates". *CAN*. June 19. <https://www.channelnewsasia.com/asia/iran-israel-evacuation-malaysia-indonesia-thailand-southeast-asia-middle-east-5191871>.
- Blanchard JMF, Lu F. (2012). "Thinking hard about soft power: A review and critique of the literature on China and soft power". *Asian Perspective*. 36(4): 565-589. <https://www.jstor.org/stable/42704806>.
- Boyras H. (2024). "The rogue state of Israel and the genocide of Palestinians". *Daily Sabah*. November 29. <https://www.dailysabah.com/opinion/op-ed/the-rogue-state-of-israel-and-the-genocide-of-palestinians>.
- Butenschon NA. (2006). *Drommen om Israel*. bokkilden.no.
- Byrnes S. (2025). "South-East Asian countries are broadly siding with Iran in its conflict with Israel. This isn't surprising". *The National*. June 19. <https://www.thenationalnews.com/opinion/comment/2025/06/20/south-east-asian-countries-are-broadly-siding-with-iran-in-its-conflict-with-israel-this-isnt-surprising/>.
- Çarkoglu A, Eder M, Kirişci K. (1998). *The Political Economy of Regional Cooperation in the Middle East*. London: Routledge.
- Chatin M, Gallarotti GM. (2016). "The BRICS and soft power: An introduction". *Journal of Political Power*. 9(3): 335-352. <https://doi.org/10.1080/2158379X.2016.1232284>.
- Chivvis CS, Keating J. (2024). "Cooperation Between China, Iran, North Korea, and Russia: Current and Potential Future Threats to America". *Carnegie Endowment for International Peace*. October 8. <https://carnegieendowment.org/research/2024/10/cooperation-between-china-iran-north-korea-and-russia-current-and-potential-future-threats-to-america?lang=en>.
- Connel M. (2010). "Iran's military doctrine". *The Iran Primer*. <https://iranprimer.usip.org/resource/irans-military-doctrine>.
- Coredman AH. (2010). *The Iran Primer-The Power, Politics and US Policy*. US Institute of Peace Press.
- Council Foreign Relations. (2023). "The Sunni-Shia divide". April 27. <https://www.cfr.org/article/sunni-shia-divide>.
- Davis U. (2003). *Apartheid Israel Possibilities for the Struggle Within*. Bloomsberry Academic.
- Dzulhisham HE. (2025). "CO25146| The Iran-Israel conflict: Geopolitical implications for the Middle East". *RSIS*. July 2. <https://rsis.edu.sg/rsis-publication/rsis/the-iran-israel-conflict-geopolitical-implications-for-the-middle-east/>.
- The Economic Times*. (2025). "We've used just 5% of total potential: Iranian general says only 30% of military strength deployed, warns they are escalating slowly". June 20. <https://economictimes.indiatimes.com/news/new-updates/weve-used-just-5-of-total-potential-iranian-general-says-only-30-of-military-strength-deployed-warns->

- [they-are-escalating-slowly/articleshow/121965524.cms?from=mdr](https://www.theguardian.com/world/2025/jul/23/israel-syria).
- Fawcett L, Hurrell A. (ed). (1998). *Regions in World Politics*. Oxford University Press.
- Gangadharan S. (2025). StratNews Global, <https://www.youtube.com/watch?v=s8cNcNDH9UE> (Accessed on July 28, 2025)
- Global Fire Power. (2025). "2025 Iran military strength". https://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.php?country_id=iran. (Accessed on 26 July 2025)
- Golkar S. (2025). "Khamenei's Nuclear Fatwa: Religious Ruling or Political Strategy?". *Norwich University*. February 11. <https://www.norwich.edu/topic/all-blog-posts/khameneis-nuclear-fatwa-religious-ruling-or-political-strategy>.
- Guardian. (2006). "Are the Shias on the brink of taking over the Middle East". July 23. <https://www.theguardian.com/world/2006/jul/23/israel.syria>.
- Hamidaddin A. (2025). "Time to stop talking of the Shiite-Sunni divide". *The Cairi Review of Global Affairs*. <https://www.thecairireview.com/essays/time-to-stop-talking-of-the-shiite-sunni-divide/>.
- The Hindu. (2025). "U.S. President Trump says he's open to regime change in Iran". June 23. <https://www.thehindu.com/news/international/us-president-donald-trump-hints-at-potential-regime-change-in-iran/article69725749.ece>.
- Hinnebusch R. (2003). *The International Politics of Middle East*. Manchester University Press.
- IISS: The International Institute of Strategic Studies. (2022). "The Military Balance". <https://www.iiss.org/publications/the-military-balance/the-military-balance-2022/#:~:text=The%20Military%20Balance%202022%3A%20Features,military%20adaptation%20to%20climate%20change>.
- (2020). *Iran's Networks of Influence in the Middle East*. <https://www.iiss.org/publications/strategic-dossiers/iran-dossier/>.
- Intellinews. (2025). "Malaysia backs Iran's retaliation against Israel, markets in Asia react". <https://www.intellinews.com/malaysia-backs-iran-s-retaliation-against-israel-markets-in-asia-react-386353/>.
- Iran Daily. (2025). 21 August. <https://newspaper.irandaily.ir/>.
- Johnny S. (2025). "The axis of Resistance-Iran's forward defence network". *The Hindu*. May 19. <https://www.thehindu.com/news/international/the-axis-of-resistance-irans-forward-defence-network/article68722724.ece>.
- Kamrava M. (2019). "Chronic insecurity in the Middle East: Causes and Consequences". *Arab Center Washington DC*. <https://arabcenterdc.org/resource/chronic-insecurity-in-the-middle-east-causes-and-consequences/>. (Accessed on 28 July 2025)
- (2018). "Hierarchy and instability in the Middle East regional order". *International Studies Journal*. 14(4): 1-35. https://www.isj.org/article_89791_b0892459a65399d28e290b7a0ce8943f.pdf.
- Karim U, Kapur S. (2023). *Regional Security in South Asia and the Gulf*. London: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003283058>.
- Khan LA. (2025). "The non-proliferation regime in peril: An analysis of US-Israeli military action in Iran". *Jurist News*. June 23. <https://www.jurist.org/commentary/2025/06/the-non-proliferation-regime-in-peril-an-analysis-of-us-israeli-military-action-in-iran/>.
- Khatib L. (2025). "How Iran become isolated in Middle East". *Time Magazine*. June 22. <https://time.com/7295480/iran-isolation-middle-east-strategy-failure/>.
- Mazhari M. (2024). "Iran and Israel use media and propaganda to try to shape post-attack reality". *Stimson*. April 17. <https://www.stimson.org/2024/iran-and-israel-use-media-and-propaganda-to-try-to-shape-post-attack-reality/>.
- Motamedi M. (2022). "Iran says 25-year China agreement enters implementation stage". *Aljazeera*. January 15. <https://www.aljazeera.com/news/2022/1/15/iran-says-25-year-china-agreement-enters-implementation-stage>.

- Mukuntu V. (2025). "NPT | For the sake of peace, at the cost of war". *The Hindu*. June 22. <https://www.thehindu.com/news/international/npt-for-the-sake-of-peace-at-the-cost-of-war/article69722251.ece>.
- Pillalamarro A. (2025). "The Iran-Israel War's Geopolitical Implications for South Asia". *The Diplomat*. June 26. <https://thediplomat.com/2025/06/the-iran-israel-wars-geopolitical-implications-for-south-asia>.
- Priya L. (2023). "Iranian Approach I: Focusing on a Multilateral and Multipolar World Order". *India Council of World Affairs*. November 3. https://www.icwa.in/show_content.php?lang=1&level=3&ls_id=10136&lid=6461.
- Ranjan P. (2025). "The legality of Israel action under international law". *The Hindu*. June 19. <https://www.thehindu.com/opinion/op-ed/the-legality-of-israeli-actions-under-international-law/article69709840.ece>.
- Reddy R, Schmida B, Rezaei B, Moorman C, Wells K, Borens A, Moore J, Carter B. (2025). "Iran update". July 29. <https://www.understandingwar.org/backgroundunder/iran-update-july-29-2025>.
- Reuters. (2024). "What is Iran's 'Axis of Resistance'?" April 13. <https://www.reuters.com/world/middle-east/what-is-irans-axis-resistance-which-groups-are-involved-2024-01-29/>.
- , (2021). "Iran and China sign 25-year cooperation agreement". March 29. <https://www.reuters.com/article/world/iran-and-china-sign-25-year-cooperation-agreement-idUSKBN2BJ0HG/>.
- Rezaei B. (2025). "Iran Update". *Institute for the Study of War*. July 28. <https://www.understandingwar.org/backgroundunder/iran-update-july-28-2025>.
- Rifah AI. (2025). "The unfulfilled dream: Is SAARC doomed to die?". *South Asia Monitor*. March 28. <https://southasiamonitor.org/spotlight/unfulfilled-dream-saarc-doomed-die>.
- Roll J. (2025). "Where are China and Russia in the Israel-Iran conflict?". *The Loop*. <https://theloop.ecpr.eu/where-are-china-and-russia-in-the-israel-iran-conflict/>.
- Saleh A, Yazdanshenas Z. (2022). "China-Iran strategic partnership and the future of US hegemony in the Persian Gulf Region". *British Journal of Middle Eastern Studies*. 51(2): 377-400. <https://doi.org/10.1080/13530194.2023.2215188>.
- Saraswat D. (2025). "Israel's 12-day war leaves Iran on a security-first path". *Frontline*. July 23. <https://frontline.thehindu.com/world-affairs/iran-security-strategy-post-israel-war/article69810014.ece>.
- Silander D, Wallace D, Janzekovic J. (2016). *International Organization and the Rise of ISIL*. London: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315536095>.
- Singh KC. (2025). "From conflict to calculations". *The Week India*. July 6. <https://www.magzter.com/nl/stories/news/THE-WEEK-India/FROM-CONFLICT-TO-CALCULATIONS?srsId=AfmBOorV6ShDAhaI7SsT5kV2xWTOHCpu8lEj0j1WoVavQa-Nhx4beCG>.
- Stroul D. (2025). "How Iran could escalate". *Foreign Affairs*. June 23. <https://www.foreignaffairs.com/united-states/how-iran-could-escalate>.
- The Times of Israel*. (2018). "Arab nations slam Israel's 'recist, discriminatory' Jewish nation-state law". July 21. <https://www.timesofisrael.com/arab-nations-slam-racist-discriminatory-jewish-nation-state-law/>.
- Vij S. (2025). "From resistance to recovery: The Iranian economy's fight to survive". *ORF*. July 18. <https://orfme.org/expert-speak/from-resistance-to-recovery-the-iranian-economys-fight-to-survive/>.
- Winter T. (2020). "Geocultural power: China's Belt and Road Initiative". *Geopolitics*. 26(5): 1376-1399. <https://doi.org/10.1080/14650045.2020.1718656>.
- Wintour P. (2025). "Why id Iran's nuclear programmes so essential to its identity?". *Support the Guardian*. June 23. <https://www.theguardian.com/world/2025/jun/23/why-iran-nuclear->

[programme-essential-to-its-identity.](https://worldview.stratfor.com/article/irans-escalating-cyber-strategy-against-west-part-1)
 Worldview. (2024). "Iran's escalating cyber strategy against the West, Part 1".
[https://worldview.stratfor.com/article/irans-escalating-cyber-strategy-against-west-part-1.](https://worldview.stratfor.com/article/irans-escalating-cyber-strategy-against-west-part-1)
<https://www.youtube.com/watch?v=G1jS4yZVRYI>. (Accessed on 28 July 2025)